

Affecting Underlying Factors on University Virtual Education in Iran

Ahmad Ghaemmaghami tabrizi¹, *Aminreza Kamaliyan²,
Habibollah Roodsaz³, Maghsud Amiri⁴

1- Ph.D student of Allameh Tabataba'i. University.

2-Associate professor of Sistan and Baluchestan University.(Corresponding Author)

Email: kamalian2010@mgmt.usb.ac.ir

3- Associate professor of Allameh Tabataba'i.University.

4- Professor of Allameh Tabataba'i. University

Received: 28/04/2017; Accepted:13/01/2018

Abstract

With the introduction of information and communication technology in the field of universities and educational centers and its integration with curricula, a new and important system of electronic education is formed and expanding that attracted the attention of many universities. Is. The main objective of this paper is to identify the factors that influence the virtual university education in Iran in order to provide a suitable model. Sampling was conducted purposefully using snowball method and 22 deep and qualitative interviews were conducted. Data analysis based on the data theory of the foundation, after encoding in three stages of open, pivotal and selective, illustrates 30 effective indications for the virtual university education model in Iran. These labels are identified in seven concepts that include: communication, trust building, knowledge localization, insight, human resource commitment, culture, technology, and leveling that can be used to design and develop virtual education centers as well as implement programs It will be effective.

Introduction

The most fundamental change that has taken place today in higher education in the world is that the definition of "higher education" has changed, since education, which is tasked with educating people only knowingly, is the higher education whose task it is to train entrepreneurship forces (Sediq, 2009). In order to improve the performance of the virtual university, we need a systematic management approach that, while coordinating and effectively communicating between elements and components of the virtual organization, can combine the activities of each component with the technological capabilities to increase learning. Therefore, the importance of paying attention to virtual education in

order to develop the universities of the country with regard to native culture is obvious and its necessity in formulating content proportional to these values in the form of a comprehensive model of virtual education in Iranian universities and identifying Facilitating factors, this move is important. The main topic is not the necessity of virtual education in the country but the quality and quantity of these training, how it is organized and expanded, which has focused on many issues and has led to wider discussion and discussion.

Case study

Main aim of this study was identifying the factors of the underlying E-learning under a model in Iranian University. Present study was conducted in-depth interviews with experts in the subject area. Snowball sampling method and 22 qualitative interviews were conducted in order to test findings of research. The results of encryption in were analyzed in three ways: open, axial and selective. The findings indicate that 30 effective marks in virtual academic educational model and these marks categorized in 7 concept which includes: Communication, building trust, indigenous knowledge, insight, commitment, human resources, culture, technology.

Materials and Methods

The research method was qualitative in this research. The first phase of the study was conducted as a library and described and analyzed research related to the model of virtual university education. In the second stage, semi-structured deep interviews with knowledgeable elites were used to find the factors and challenges of universities and virtual centers. In order to record the data from the interviews, the researcher, in addition to the outline note, proceeded to record the interview using tape recorder. In view of the theoretical foundations of qualitative research, simultaneous analysis and coding of interviews were carried out. Then, in order to diagnose, deliver and conclude the findings, they led to the identification of the final list of virtual education in Iranian universities.

Discussion and Results

According to the findings of the research, there are some executive strategies that can provide virtual education managers with a sense of successful implementation of this kind of training and its consequences.

Conclusion

This research uses theoretical foundations and a look at organizational concepts, management and leadership patterns in virtual organizations, with a qualitative approach and using the foundation data method to identify the underlying factors affecting the virtual university education model. By creating a new perspective based on the experts' opinions, they try to converge and concentrate these comments on the real conditions and requirements of the country, emphasizing the localization of this has been training and trying to maximize the speed with which this new training is to be completed. Considering the fact that the underlying conditions are factors that are effective in influencing the occurrence of the phenomenon, therefore, according to the findings of the study,

communication, trust building, knowledge localization, insight, human resource commitment, culture, technology, and leveling were identified. The result is that if policy-makers and custodians of e-learning in formulating policies and programs for the creation or development of these centers pay enough attention to the levels and components mentioned, there is no doubt an effective step in the successful implementation of this Type of training in the country will be in line with international universities.

Key Words: E-learning-learning academic model in Iran, paradigmatic model of virtual university.

عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آموزش‌های مجازی دانشگاهی در ایران

احمد قائم مقامی تبریزی* - دکتر امین رضا کمالیان** - دکتر حبیب ا... رود ساز*** -
دکتر مقصود امیری****

چکیده

با ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات به عرصه دانشگاهها و مراکز آموزشی و تلفیق آن با برنامه‌های درسی و آموزشی، نظام جدید و با اهمیتی تحت عنوان آموزش‌های الکترونیکی شکل گرفته و در حال گسترش است که توجه بسیاری از دانشگاه‌ها را به خود جلب کرده است. هدف اصلی مقاله حاضر، شناسایی عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آموزش‌های مجازی دانشگاهی در ایران به منظور ارائه مدل مناسب بود. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و به روش گلوله برفی انجام شد و ۲۲ مصاحبه عمیق و کیفی صورت گرفت. تحلیل داده‌ها براساس نظریه داده بنیاد پس از انجام کدگذاری در سه مرحله باز، محوری و انتخابی، مبین ۳۰ نشان مؤثر برای الگوی آموزش‌های مجازی دانشگاهی در ایران بود. این نشان‌ها در ۷ مفهوم ارتباطات، اعتماد سازی، بومی سازی دانش، بینش، تعهد منابع انسانی، فرهنگ، فناوری شناسایی و سطح بندی شدند که می‌توانند در طراحی و توسعه مراکز آموزش مجازی و همچنین اجرای برنامه‌های آن مؤثر باشند.

واژه‌های کلیدی: آموزش الکترونیکی، الگوی آموزش‌های مجازی دانشگاهی در ایران، الگوی پارادایمی دانشگاه مجازی

* دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

** نویسنده مسئول - دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان kamalian2010@mgmt.usb.ac.ir

*** استادیار دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران .

**** استاد دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران .

مقدمه

اساسی‌ترین تغییر و تحولی که امروزه در سطح جهان در آموزش عالی اتفاق افتاده، تغییر تعریف "آموزش عالی" است، چراکه از آموزش که وظیفه‌اش آموزش افراد صرفاً داناست، به آموزش عالی که وظیفه آن تربیت نیروهای کارآفرین است، تبدیل می‌شود (Sediq, 2009: 70). برای بهبود عملکرد مراکز آموزش مجازی نیاز به اعمال مدیریت نظام‌مندی داریم تا ضمن هماهنگی و ایجاد ارتباط مناسب و مؤثر بین عناصر و اجزای ساختار سازمان مجازی، بتواند با تلفیق فعالیت‌های هر جزء این عناصر با قابلیت‌های فناوری موجب افزایش یادگیری گردد. بنابراین اهمیت توجه به آموزش مجازی به منظور توسعه‌یافتگی دانشگاه‌های کشور با توجه به فرهنگ بومی، امری بدیهی بوده و ضرورت آن در تدوین محتوای متناسب با آن ارزش‌ها، مهم شمرده می‌شود. اینک موضوع اصلی، ضرورت آموزش مجازی در کشور نیست، بلکه چگونگی و کیفیت این آموزش‌ها، نحوه برگزاری و گسترش آن مطرح است که توجه بسیاری را به خود معطوف کرده است و سبب‌ساز بحث‌ها و مذاکرات گسترده‌تری شده است. با توجه به پژوهش‌های انجام شده توسط محققان در گذشته، فقدان یک نظام جامع در دانشگاه‌های مجازی مشهود است و با وجود ضعف‌های زیادی که در حوزه مدیریت و راهبری این مراکز آموزشی مشاهده می‌شود، اهمیت و ضرورت برنامه‌ریزی دقیق و بازنگری و سازماندهی مجدد در ساختار، ضروری به‌نظر می‌رسد. به‌علاوه عبور از رویکرد مدیریت سنتی در دانشگاه‌های حضوری و کسب آمادگی‌های لازم برای ورود به رویکرد و اداره دانشگاه‌های الکترونیکی و شناسایی وجوه تمایز این دو مقوله، از جمله عوامل مؤثری است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است و می‌تواند سرآغاز موضوعات را فراهم کند.

مبانی نظری

آموزش مجازی در دنیا به یک ضرورت تبدیل شده است و معتبرترین دانشگاه‌های دنیا در توسعه و گسترش این آموزش‌ها اقدام نموده‌اند. به عبارتی، تغییرات سریعی که در محیط پیرامون در حال شکل‌گیری است، اجرای نظام‌های مجازی به منظور ارائه خدمات و فناوری‌های جدید در زمینه تدریس و یادگیری را به یک نیاز اساسی تبدیل کرده است (Wang, 2003: 8). عواملی چون کاهش هزینه‌های آموزشی، امکان ایجاد تنوع در درس ارائه شده، زمان انتخاب آن‌ها، کاهش هزینه‌های رفت و آمد و انعطاف‌پذیری زیاد (از لحاظ

مکان و محتوای آموزش یا سن و نیازهای فراگیر) در گسترش آموزش الکترونیکی و استقبال فراگیران مؤثر بوده است. در کشور ما نیز از سال‌ها قبل اقداماتی در برخی از دانشگاه‌های برخوردار انجام شده، لیکن موانعی همچون عدم وجود زیرساخت‌های کافی در زمینه فنی موجب عدم موفقیت آن گردیده است. خوشبختانه در سال‌های اخیر لزوم همراهی دانشگاه‌های داخلی با دانشگاه‌های خارجی در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات و رفع مشکلات زیرساختی کشور، تا حد قابل قبولی مورد انتظار دولتمردان بوده است و بخشنامه دفتر گسترش آموزش عالی کشور به کلیه دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی دولتی و غیردولتی مبنی بر اعطای مجوز برای برخی دروس به صورت الکترونیکی، سد موجود در راه توسعه آموزش الکترونیکی در کشور را شکسته است. تاکید سیاست‌های ابلاغی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بر توسعه ارتباطات بین‌المللی و جذب دانشجوی خارجی نیز عاملی دیگری است که به واسطه دانشگاه‌های مجازی می‌توان به سهولت و با کمترین هزینه در زمان کوتاهی، بدان دست یافت. در عرصه آموزش الکترونیکی ایران، ضعف ساختار فرهنگی از جمله مشکلات بارز قابل مشاهده در این زمینه است؛ به طوری که بسیاری از دانشجویان و حتی اساتید با مزایا و معایب این روش آشنایی ندارند (Safae et al., 2011: 16). ورود سلیقه‌ای دانشگاه‌ها به بحث آموزش مجازی، باعث معضلات بی‌شماری برای دانشجویان شده است که از جمله این مشکلات می‌توان به پرداخت هزینه‌های زیاد بدون استفاده از امکانات کافی دانشگاه اشاره کرد که با این شرایط دانشجویان مجبور به ادامه تحصیل هستند. همچنین، دوری از ارتباطات جمعی در آموزش، نبود ارتباط چهره به چهره، وابستگی بیش از حد به فناوری، ناآشنایی برخی استادان بخصوص استادان قدیمی‌تر با فناوری‌های اطلاعاتی و رایانه‌ای، عدم تضمین کیفیت در آموزش عالی و نبود اتصال پر سرعت در کشور از جمله موانع رسیدن به آموزش الکترونیکی با کیفیت است که برای رسیدن به آن باید پاپانه‌های آموزشی با پهنای باند مناسب و سرورهای نصب‌شده لازم را در اختیار داشته باشیم. وجود برخی مقولات^۱ توانسته است به عنوان چارچوب کلی از الگوی آموزش‌های مجازی دانشگاهی در ایران، نگاه جدیدی را به این حوزه بگشاید. به گونه‌ای که با شرایطی خاص و نگاهی عمیق‌تر به شناسایی ظرفیت‌ها و چالش‌های پیش رو پرداخته و ضمن شناسایی زیربنایی یک پدیده، ماهیت خاصی به موضوع می‌دهد. از جمله این شرایط و به عبارتی مقولات، شرایط زمینه‌ای^۲ است که به

1- Category

2- Basic Condition

سلسله خصوصیات ویژه‌ای که به پدیده‌ای دلالت می‌کنند، اشاره دارد. در این پژوهش با نگاهی به مدل‌های ارائه شده از سوی محققان، تلاش شده است تا به این سؤال اصلی پاسخ داده شود " شرایط و عوامل تأثیرگذار زمینه‌ای در طراحی الگوهای آموزشی مجازی دانشگاه ایران کدام است؟"

پیشینه تحقیق

استیو و فریمن^۱ (۲۰۰۱) بیان می‌کنند که وجود مشکلات کیفی در رابطه با تأمین مواد آموزشی، اصلاح و به‌روز کردن دوره‌ها و همچنین بومی‌سازی محتوا، از محدودیت‌های آموزش الکترونیکی محسوب می‌گردد. سانگ و او^۲ (۲۰۰۲) نیز نشان دادند مواردی همچون تعامل، طراحی، تسهیلات، بازخورد و قابلیت استفاده (بومی‌سازی) بر درک یادگیرندگان از کیفیت آموزشی دوره‌های برخط تأثیر می‌گذارند. بومی‌سازی آموزش مجازی از جمله موارد مهمی است که می‌بایست حین انتقال فناوری آموزش‌های الکترونیکی به کشور و حتی قبل از آن مورد توجه قرار گیرد تا با شرایط امکانات، مقتضیات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی سازگاری یابد. نیکول و لوی^۳ (۲۰۰۹) محتوا (میزان غنای محتوا، به طور مثال ارائه چندرسانه‌ای)، غوطه‌ور شدن در مطلب (میزان واقعی بودن)، تعامل (بین فراگیران، بین فراگیران و مدرسان، بین فراگیران و شخصیت‌های شبیه سازی شده) و ارتباط (راه‌های ارتباطی متفاوت و اجازه برقراری ارتباط همزمان به فراگیران) را به عنوان موارد تأثیرگذار بر آموزش الکترونیک شناسایی کرده‌اند. تئو^۴ (۲۰۱۰) در پژوهش خود تأثیر فناوری اطلاعات در عناصر برنامه آموزشی را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده که افزایش ارتباطات بین‌المللی آموزش عالی در عناصر برنامه درسی تأثیر بسیار خواهد داشت و موجب تغییرات فراوانی در محتوا، روش تدریس، ارزشیابی و درنهایت، در عنصر تجهیزات خواهد شد. برادفورد و جسیکا^۵ (۲۰۱۳) در پژوهش خود بیان می‌دارند که مسأله اصلی این است چه عواملی بر اثربخشی بیشتر آموزش الکترونیک تأثیر دارند. آدلوتان^۶ (۲۰۱۴) در پژوهش خود بیان می‌دارد که آموزش الکترونیکی، آموزش آنلاین و از راه دور، نقش بسزایی در

1- Steve and Freeman

2- Sung and Ou

3- Nichols & Levy

4- Teo

5- Bradford & Jessica

6- Adelotwan

سرمایه انسانی سازمان های اقتصادی جدید دارند. اسلام و همکاران^۱ (۲۰۱۵) در پژوهش خود بیان می‌دارند از آنجاکه آموزش الکترونیکی محدودیت جغرافیایی در آموزش را کنار می‌زند، می‌تواند نسبت به یادگیری چهره به چهره از نظر کیفیت تعامل و بازخورد به موقع با طراحی خوب درس برتری داشته باشد. به‌علاوه در حوزه فناوری آنچه ضرورت دارد تعامل سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای بکارگرفته شده در مراکز آموزش مجازی با امکانات و تجهیزات دانشجویان در اقصی نقاط کشور است، لیکن توجه به حجم محتوای چند رسانه‌ای از جمله مواردی است که عمده دانشگاه‌های کشور بدلیل محدودیت پهنای باند در کشور با آن مواجه‌اند.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر به روش کیفی انجام شد؛ در مرحله اول به توصیف و تحلیل پژوهش‌های مرتبط با الگوی آموزش‌های مجازی دانشگاهی پرداخته شد و در مرحله دوم، از مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته با نخبگان آگاه (برای یافتن عوامل و چالش‌های دانشگاه‌ها و مراکز مجازی) استفاده شد. به منظور ثبت اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها، علاوه بر یادداشت رئوس مطالب، نسبت به ضبط مصاحبه‌ها اقدام گردید. هم‌زمان با انجام مصاحبه‌ها تحلیل و کدگذاری آن‌ها نیز انجام پذیرفت. سپس به‌منظور شناسایی فهرست نهایی آموزش مجازی در دانشگاه‌های ایران، به ترتیب تلخیص، عرضه و نتیجه‌گیری از یافته‌ها پرداخته شد.

برای سنجش پایایی در این پژوهش از روش «پایایی بازآزمون^۲» استفاده شد که به میزان سازگاری طبقه‌بندی داده‌ها در طول زمان اشاره دارد. برای محاسبه پایایی بازآزمون از میان مصاحبه‌های انجام‌گرفته چند مصاحبه به عنوان نمونه انتخاب شده و هر کدام از آنها در یک فاصله زمانی کوتاه و مشخص دوباره کدگذاری می‌شوند؛ سپس کدهای مشخص شده در دو فاصله زمانی برای هر کدام از مصاحبه‌ها با هم مقایسه شده و از طریق میزان توافقات و عدم توافقات موجود در دو مرحله کدگذاری، شاخص ثبات برای آن پژوهش محاسبه می‌گردد. در هر کدام از مصاحبه‌ها، کدهایی که در دو فاصله زمانی با هم مشابه هستند با عنوان توافق و کدهای غیرمشابه با عنوان عدم توافق مشخص می‌شوند. پژوهشگر در حین انجام پژوهش و در جریان کدگذاری مصاحبه‌ها چند مصاحبه را به‌عنوان نمونه در

1- Islam et al

2- Re-Test Reliability

یک فاصله ۶ روزه مورد کدگذاری مجدد قرار داد و به منظور محاسبه پایایی بازآزمون بین کدگذاری‌ها، از شاخص پیشنهادی هولستی^۱ (۲۰۱۱) استفاده کرد. نتایج به‌دست آمده در جدول شماره ۱ آورده شده است.

جدول ۱: میزان درصد پایایی بازآزمون

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی بازآزمون (درصد)
۱	PA	۲۱	۹	۳	٪۸۵
۲	PB	۱۷	۸	۳	٪۹۴
۳	PC	۱۸	۶	۵	٪۶۶
	کل	۵۶	۲۳	۱۱	٪۸۲

با توجه به جدول شماره ۱، پایایی بازآزمون مصاحبه‌های پژوهش برابر ۸۲٪ و بیشتر از ۶۰٪ است که گویای تأیید قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها است.

غالب مطالعات، الگوی کدگذاری پارادایمی را برای تحلیل داده‌های حاصل از گردند تئوری معرفی می‌کنند که در قالب یک فرآیند کدگذاری سیستماتیک شامل سه مرحله باز، محوری و انتخابی منجر به ایجاد این الگو می‌شود. در کدگذاری باز، پژوهشگر با ذهنی باز به نامگذاری مفاهیم می‌پردازد. در مرحله بعد که کدگذاری محوری نامیده می‌شود، فرایند اختصاص کد به مفاهیم موجود در داده از حالت کاملاً باز خارج می‌شود و شکلی گزیده به خود می‌گیرد. سومین مرحله شامل کدگذاری انتخابی یا گزینشی است. در این مرحله، پژوهشگر به تکوین نظریه‌ای درباره رابطه میان مقوله‌های به دست آمده در الگوی کدگذاری محوری می‌پردازد. درنهایت با استفاده از تحلیل داده پردازی بنیادی داده‌ها به تلخیص، دسته بندی و نتیجه‌گیری از یافته‌ها پرداخته می‌شود.

جامعه آماری تحقیق را صاحب‌نظران سه حیطه علمی، اجرایی و پژوهشی تشکیل دادند. این افراد شامل اعضای هیات علمی دانشگاهی، کارشناسان و متخصصان حوزه آموزش‌های مجازی و درنهایت مدیران آموزش مجازی برخی دانشگاه‌ها (از جمله پیام نور، امام رضا^(ع)، خواجه نصیرالدین طوسی) بودند که بنا به پیشینه خود، تجارب و سوابق مدیریتی و اجرایی ارزشمندی داشتند. در ادامه برای انتخاب نمونه دو روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی مورد استفاده قرار گرفت. نمونه‌گیری تا جایی ادامه یافت که پژوهشگر به این نتیجه رسید که اطلاعات جدید همان تکرار اطلاعات قبلی (اشباع نظری) است و دیگر اطلاعات مفهومی

جدیدی که نیاز به کد جدید یا گسترش کدهای موجود داشته باشد، بدست نمی‌آید. در انتها تعداد ۲۲ مصاحبه کیفی با گروه منتخب انجام گرفت.

یافته‌های تحقیق

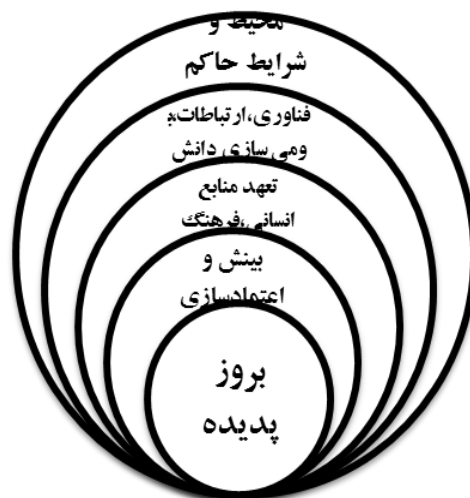
یافته‌های تحقیق با استفاده از تحلیل همزمان و همچنین فرایند کدگذاری، هنگام و پس از انجام مصاحبه‌ها صورت گرفت که نتایج کدگذاری‌ها به تفکیک در جدول شماره ۲ ارائه شده است:

جدول ۲: نتایج حاصل از کدگذاری محوری و انتخابی در مورد شرایط زمینه‌ای

انتخابی	محوری
عدم آشنایی کافی مدیران مراکز آموزش مجازی با روش‌های سازماندهی و برقراری ارتباطات در سازمانهای مجازی	ارتباطات
عدم وجود ارتباط چهره به چهره	
برقرار نشدن ارتباط کافی با مخاطب	
نا آشنا بودن با چگونگی اجرای پروژه‌ها و تقسیم کار	
فقدان ارتباط با همکلاسی‌ها و تعامل با یکدیگر	اعتمادسازی
عدم استقبال از آموزش مجازی بعلت بالا بودن هزینه‌های اولیه تهیه و تدارک مواد آموزشی	
نگرانی بدلیل نیاز به دانشجویانی دارای انگیزش و خودهدایتی در سطح بالا	
رفتار خودپسندانه حاکی از حس مقاومت در برابر تغییر	
نگرش منفی دانشجویان به آموزش الکترونیکی	دانش بومی سازی
عدم پذیرش نوآوری	
هزینه‌های فوق العاده نگهداری، اصلاح و روزآمد کردن دوره‌ها	
وجود مشکلات در رابطه با تامین موضوعات و مواد آموزشی	
محدودیت ظرفیت سازمان در بخش ارائه محتوا	پیشن
وجود تعاریف مبهم از آموزش الکترونیکی (برداشت سلیقه‌ای)	
عدم تسلط اساتید بر کلاس و عمیق نبودن یادگیری	
مشخص نبودن روش‌های ارزیابی	
عدم علاقمندی استاد و دانشجو	تعهد منابع انسانی
عدم توجه به زیر ساخت‌های آموزش مجازی نداشتن دیدگاه آرمانی و بصیرت	
تعهد پایین کارکنان به سازمان به دلیل مسائل شغلی و عدم تمایل به انجام امور جدید	
عدم وجود مهارت‌های فنی و ضعف در آموزش	
ضعیف بودن میزان پشتیبانی از دانشجویان توسط راهبران سیستم مجازی	فرهنگ
عدم علاقمندی به برگزاری و جلسات رفع اشکال حضوری و برخی هماهنگی‌ها	
عدم بسترسازی مناسب فرهنگی و اجتماعی در دانشگاهها برای آموزش مجازی	
عدم آگاهی، شناخت و همکاری و مهارت آموزی استادان و کاربران	
لزوم تعریف معیارهای اخلاقی و ارزشی برای کاربران	
فقدان برنامه‌های فرهنگی ویژه دانشجویان مجازی	

فناوری	الزامی بودن سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات
	دسترسی به اینترنت پر سرعت و رفع محدودیت‌های برای اتصال به شبکه علمی کشور
	نبودن و نگرانی از امنیت کامل در سیستم‌های مجازی سازمان‌ها
	تکیه محض به سخت‌افزار، نرم‌افزار، وب و ...

مرور و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده، ۳۰ نشان را متمایز ساخت که با توجه به نزدیکی موضوعی در ۷ مفهوم کلی (کدگذاری انتخابی) قرار گرفتند که عبارتند از (ارتباطات، اعتمادسازی، بومی‌سازی دانش، بینش، تعهد منابع انسانی، فرهنگ، فناوری). عوامل زمینه‌ای شناسایی شده در شکل شماره ۱ نیز قابل مشاهده است.



شکل ۱: مدل عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار بر آموزش‌های مجازی دانشگاهی در ایران
(منبع: تحقیق حاضر)

بینش نقش بنیادی و پراهمیتی را در یادگیری به عهده دارد، زیرا یادگیری عبارت از یافتن بینش‌های جدید یا تغییر در بینش‌های گذشته است (Shaeidi; Sadeghzadeh, 2012; Bagheri Majd, 2013; Ghorchian and Jafari, 2003; Strader, 1998). به زعم پیتر دراگر "بهترین راه برای پیش‌بینی آینده، ایجاد کردن آن است" که بیشتر رهبران، کاملاً با این عقیده موافق هستند. بینش‌های حاصل می‌شود که فرد برای نیل به هدف‌هایش، نه تنها راه‌های جدیدی را برای استفاده از عوامل محیطی خود بیابد، بلکه در کاربرد امکانات

بدنی خود نیز وضع تازه‌ای پیش گیرد. درواقع یادگیری در روانشناسی گشتالت به مفهوم یافتن بینش و معنای جدید است که امری اکتسابی به شمار می‌آید. پیروان گشتالت بینش را احساس و گرایشی می‌دانند که موجود زنده نسبت به ارتباط اجزا و موقعیت‌ها نشان می‌دهد. به سخن دیگر، بینش راه‌یافتن به کم و کیف یک مشکل و پی بردن است. افزایش سطح بینش نسبت به آموزش‌های مجازی، شناخت و درک صحیح از اهداف و کارکردهای این نوع از شیوه‌های آموزشی در سطوح مختلف سازمانی و ایجاد نگرشی مثبت در آنان گامی مهمی در جهت‌گیری به سوی استقرار یا ارتقای سطح فعالیت آموزش‌های الکترونیکی است.

احترام به کارکنان در کلام، در لحن صحبت و در رفتار موجب می‌شود آنها احساس ارزشمندی کنند (Kazempour and Ghaffari, 2011). این احساس سبب می‌شود آنها از لحاظ عاطفی خود را متعلق به محیط بدانند و وقتی احساس تعلق به میان آید، افراد کیفیت کار خود را بالا می‌برند. درواقع، از قدم‌های بسیار مؤثر در جهت اعتمادسازی این است که افراد احساس کنند هم خود آنها و هم کارشان ارزشمند است. اعتماد سازی به زمان نیاز دارد و قدمی است که از همین امروز باید برداشته شود. افراد در صورتی که باور کنند در سازمان اهداف و منافع مشترکی وجود دارد و همه برای رسیدن به آن هدف و منافع مشترک در تلاش هستند، تلاش و تعهد خود به سازمان را بیشتر می‌کنند. مدیران مؤثر این اعتماد را در کارکنان خود ایجاد کرده و به تعهدات و حرف‌های خود پایبند هستند و صداقت و شفافیت میان آنها و کارکنان برقرار است. یکی از مهم‌ترین اقدامات مدیران سازمان این است که بتوانند فضای کاری خالی از مهارت‌های اجتماعی، غیبت، تمسخر، رقابت‌های ناسالم، خشم، پرخاشگری و... ایجاد کنند. همچنین، مدیران می‌توانند شنوندگان خوبی برای کارکنان خود باشند تا کارکنان احساس کنند که صدای آنها شنیده می‌شود و بدینوسیله اعتماد را در سازمان خود ایجاد کنند (Saatchi and Azizpour, 2005). نکته دیگر در بحث اعتمادسازی در آموزش‌های الکترونیکی آن است که عده‌ای از اساتید و مدیران بر این عقیده پافشاری می‌کنند که نمی‌توان در حوزه آموزش به سیستم‌های سخت افزاری، نرم‌افزاری و حتی فراگیران اعتماد کرد که عمدتاً این باور ریشه در عدم شناخت کافی از ظرفیت‌ها و امکانات سامانه‌های الکترونیکی و شیوه‌های تهیه درسامه‌های الکترونیکی و شیوه‌های تدریس دارد. بنابراین برگزاری کارگاه‌های آموزشی با هدف شناسایی روش‌های تدریس توسط اساتید با

تخصص مدیریت آموزشی و برنامه‌ریزی درسی برای رفع مشکل مذکور گامی مفید می‌تواند گامی مفید باشد.

از **بومی‌سازی** دانش به عنوان یکی از ارزشمندترین دارایی‌های موجود و تسخیرپذیر در پروژه‌های دانش، یاد می‌شود. این دانش‌ها در صورت شناسایی، کسب و انتشار مناسب، می‌توانند منبعی مطلوب برای استفاده در هدایت پروژه‌های آتی باشند. افراد، در جابه‌جا شدن‌ها، دانشی را که کسب کرده‌اند با خود می‌برند؛ پس، در این شرایط، دانش و تجربیات فقط از طریق شبکه‌های غیررسمی و انتقال فرد به فرد در دسترس خواهد بود. به منظور مدیریت منظم دانش مربوط پروژه‌های گذشته، باید فرایندی نظام‌مند برای شناسایی، کسب، ذخیره‌سازی و انتشار آنها در سازمان تعریف شود. در مورد بومی‌سازی دانش آورده شده که علم رایانه و فناوری اطلاعات، دنیای امروز را متحول کرده است (Ghorchian and Jafari, 2003; Bagheri Majd, 2013). بنابراین آموزش که یکی از مهمترین زیربنای دنیای حاضر است، نیز باید شکل و ظاهر جدیدی به خود بگیرد.

هرچند بشر از دیرباز **فناوری** و ابزار را در خدمت آموزش و فراگیری آن بکار گرفته ولی شاید هیچگاه مانند امروز، آموزش و فراگیری با تحولات شگرفی که نشأت گرفته از بکارگیری فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی مانند اینترنت، لوح فشرده و سیستم‌های چند رسانه‌ای می‌باشد، روبرو نگشته است (Kazempour and Ghaffari, 2011; Shaeidi and Sadeghzadeh, 2012; Alestalo and peltola, 2006; shea et al., 2005). این فناوری‌ها عمدتاً با هدف ارتقاء سطح کیفی ارائه خدمات آموزشی و نیز اهدافی چون گسترش تعداد مخاطبان، آموزش‌دهندگان و موسسات آموزشی را قادر می‌سازند تا به صورتی مقرون به صرفه و در کوتاه‌ترین زمان ممکن مطالب و محتویات مورد نظر را به دانشجویان، مشتریان و به طور کلی مخاطبین منتقل نمایند. یادگیری الکترونیکی با استفاده از عناصر متفاوت که باعث ایجاد عناصر جدید آموزشی می‌گردد، فرآیند فراگیری را جذاب‌تر خواهد کرد. یادگیری الکترونیکی مهم‌ترین فناوری است که می‌تواند شیوه‌های جدید در آموزش و یادگیری را پشتیبانی کند. بیش‌تر دانشگاه‌های بزرگ دولتی در ایران مرکز یادگیری الکترونیکی را در مجموعه خود تشکیل داده‌اند، چراکه دانشگاه‌ها به دنبال راهی برای افزایش تعداد دوره‌ها و رشته‌های خود هستند تا بتوانند به نیازهای دانش‌پژوهان در هر مکان و زمانی پاسخ دهند. امروزه با در اختیار داشتن فناوری اطلاعاتی و ارتباطی مختلف و پیشرفته، امکان برقراری سریع ارتباط و تبادل سریع اطلاعات بیش از پیش میسر

گردیده است. افراد در هر کجا که باشند می‌توانند آخرین اطلاعات مورد نیاز خود را در هر زمینه‌ای دریافت کنند. اما بی‌شک بیشترین تأثیر پدید آمدن فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر محیط‌های آموزشی بوده است. کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش سبب شده است تا محیط آموزشی و ارتباطات میان افراد به منظور آموزش و گسترش به سوی مجازی‌شدن سوق پیدا کند.

عنصر تکنولوژی ارتباطات در ارائه آموزش به روش آموزش الکترونیکی صرفاً یک وسیله در جهت ارائه آموزش است و نه هدف آموزش (Bagheri Majd, 2013; Alestalo and peltola, 2006; shea et al., 2005). بنابراین مؤسسات آموزشی در حرکت به سمت آموزش الکترونیکی، بایستی بیشتر بر بهینه‌کردن روش‌های ارائه آموزش از طریق این روش تکیه داشته باشند تا بهینه کردن جنبه‌های الکترونیکی و رسانه‌های ارتباطی؛ کماینکه تحقیقات نشان می‌دهد کیفیت رسانه‌های ارتباطی ممکن است در دسترسی سریع و آسان‌تر به مطالب ارائه شده، مؤثر باشد؛ اما عامل اصلی در موفقیت این روش، محتوای مطالب ارائه شده و چارچوبی فراگیر است که در قالب آن به سمت کسب آموزش سوق داده می‌شود (Anil, 2000)؛ بنابراین مؤسسات آموزشی بایستی بیشتر به فکر توسعه روش‌های آموزش نوین باشند تا توسعه ارتباطات، زیرا توسعه ارتباطات، هدیه‌ای است که از طرف پیشرفت تکنولوژی به جامعه حال و آینده اعطاء خواهد شد. از طرفی مطالعات نشان می‌دهند که برای استفاده مناسب از این پیشرفت در جهت توسعه امر آموزش، متأسفانه اختلاف قابل توجهی بین توسعه سیستم‌های ارتباطی و توسعه نظام‌های آموزشی وجود دارد. مهمترین ارتباطاتی که باید در سامانه آموزش‌های مجازی همراه وجود داشته باشد و سبب بهبود آن شود عبارتند از: ارتباط دانشجو با سامانه، ارتباط استاد با سامانه، ارتباط استاد با دانشجو، ارتباط دانشجویان با یکدیگر، ارتباط استاد و دانشجو با مدیران و پشتیبانان، ارتباط دانشجو با دروس چند رسانه‌ای، ارتباط استاد با دروس چند رسانه‌ای، ارتباط استاد با تیم‌های تولید محتوای دروس، ارتباط دانشجویان و استاد با سامانه کلاس‌های آنلاین، ارتباط دانشجویان به کلاس‌های آنلاین ذخیره شده، ارتباط دانشجو به آزمون‌های درس و مواردی دیگر باید مورد توجه قرار گیرد.

در رابطه با تعهد منابع انسانی، آورده شده که یادگیری الکترونیکی با بهره‌وری کارکنان، تعهد شغلی، رضایت شغلی ثبات شغلی و آمادگی لازم برای انجام وظایف، رابطه مثبت و

معناداری دارد (Karimian and Aghasi, 2013). یافته‌های حاصل از پژوهش چن^۱ (2007) حاکی از آن است که سطوح بالای رضایت یادگیرندگان با افزایش انگیزه و تعهد به برنامه یادگیری الکترونیکی، موفقیت تحصیلی و کاهش میزان کناره‌گیری از آموزش همراه است. در رابطه با مؤلفه فرهنگ می‌توان عنوان کرد که عنصر تکنولوژی ارتباطات در ارائه آموزش به‌روش آموزش الکترونیکی، صرفاً یک وسیله است و نه هدف (Shaeidi; Sadeghzadeh, 2012; sheo et al., 1998; Strader, 1998; Leithwood, 2010) یعنی نیاستی تصور کرد که آموزش الکترونیکی می‌خواهد نقش مدرس را محو یا کمرنگ کند و رسانه‌های ارتباطی را به جای او قرار دهد. بلکه میزان نقش و فعالیت لازم از طرف مدرس در آموزش الکترونیکی، نه تنها کمتر از روش سنتی نیست، بلکه بر طبق بررسی‌های انجام شده، میزان زمان صرف شده توسط مدرس در روش آموزش الکترونیکی، ۲ تا ۳ برابر روش سنتی است. بنا به اعتقاد سلیم^۲ (۲۰۰۷) فرهنگ عبارت از نظامی از رفتارها است که جامعه بر افراد تحمیل می‌کند و در عین حال نظامی ارتباطی است که جامعه بین افراد برقرار می‌کند. همانطور که صفری و هزار جریبی (۲۰۱۷) و همچنین اناری‌نژاد و محمدی (۲۰۱۴) نیز به این نکته اشاره نموده‌اند، شاید بتوان گفت که ارزش‌ها نمایانگر عقایدی اصولی هستند که از نظر فردی یا اجتماعی، نوعی رفتار (نسبت به رفتار مخالف) برتر شمرده می‌شوند و ارزش‌ها، نمایانگر ایمان و اعتقاد راسخ هستند. عرصه آموزش‌های الکترونیکی در دانشگاه‌های مجازی کشور تحت تأثیر نظرات و دیدگاه‌ها و گفتمان‌هایی است که هریک از افراد به میزان درک خود آن را مطرح می‌کنند، لذا شناسایی عوامل اثرگذار در این موضوع از دغدغه‌های دانشگاه‌ها و مراکز آموزش مجازی قلمداد می‌شود. بکارگیری شیوه یاددهی الکترونیکی که منشاء آن از جوامع دیگر است برای اجرا در کشور ما که از ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی متفاوتی برخوردار است موجب می‌شود درک کاربران از آن متفاوت باشد و به‌دنبال آن فرهنگ جدیدی را شکل می‌دهد. به نظر می‌رسد بررسی فرهنگ‌ها سبب پاسخگویی به این سؤال می‌شود که "چگونه می‌توان فرایند آموزش و یادگیری را به لحاظ نظریه و عمل بهتر درک و آن را ارتقا داد". بطور کلی شاید بتوان گفت، چنین آسیب ساختاری با وجود تفاوت‌های فرهنگی بین مدیران، استادان و دانشجویان مشهود است، اما ضرورت تدوین برنامه‌های مشترک و تغییر در اهداف، زمینه‌ساز

1- Chen

2- Selim

ورود توان علمی به بخش اجرایی را با نهایت دقت فراهم می‌کند. استفاده از روش آموزش الکترونیکی، مخصوصاً به شکل کامل آن یعنی رسیدن به نقطه‌ای که فراگیر بوده و احتیاجی به مراجعه حضوری نداشته باشد و بتواند همه فرآیندهای آموزش را از راه دور انجام دهد، احتیاج به فراهم آوردن زیرساخت‌های متعدد ارتباطی، فناوریانه و همچنین فرهنگ‌سازی برای استفاده از این شیوه دارد؛ بنابراین بهتر است قبل از استفاده از این روش، این ساختارها تا حدی قابل قبول فراهم شود، در غیر این صورت موجب سردرگمی فراگیر و کاهش چشم‌گیر کیفیت آموزش ارائه شده خواهد شد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با رویکردی کیفی و روش داده بنیاد انجام شده است. در این پژوهش به شناسایی عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آموزش‌های مجازی دانشگاهی مبتنی بر نظرات خبرگان و صاحب‌نظران پرداخته شد و با ایجاد منظره جدید، مبتنی بر آرای خبرگان و با تأکید بر بومی‌سازی این آموزش‌ها، سعی در همگرایی و تمرکز بیشتر این نظرات با شرایط واقعی و مقتضیات کشور گردید. در تحقیق حاضر تلاش شد تا حد امکان بر سرعت حرکت این شیوه آموزشی نوین در کشور افزوده شود. در نتیجه تحلیل داده‌ها مفاهیم ارتباطات، اعتمادسازی، بومی‌سازی دانش، بینش، تعهد منابع انسانی، فرهنگ و فناوری به‌عنوان عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آموزش‌های مجازی دانشگاهی شناخته شدند. لذا، در صورتی که سیاست‌گذاران و متولیان آموزش الکترونیکی در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ها برای ایجاد یا توسعه این مراکز، توجه کافی به سطوح و مؤلفه‌های یادشده نمایند، بی‌شک علاوه بر کاهش هزینه‌ها و جلوگیری از دوباره‌کاری، گام مؤثری در اجرای موفقیت‌آمیز این نوع آموزش‌ها در کشور و همگامی با دانشگاه‌های جهانی برداشته خواهد شد. همچنین برای توسعه و ایجاد مراکز مجازی، تأکید بر درک صحیح و کاملی از آن در تمامی سطوح سازمان می‌شود، همان موضوعی که در اغلب دانشگاه‌های مجازی کشور کماکان کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

References

- 1-Adelowotan, M. (2014). Human Capital Development (HCD) Through Open, Distance and E-Lerning: Evidence From Corporate Annual Reports (Cars) of Top South African Listed Companies. *Turkish Online Journal of Distance Education*, 15(3):68-79
- 2-Alestalo, M. H.; Peltola, U. (2006). The problem of a market – oriented university. *Higher Education*, 52(2): 251-281.
- 3- Anari Nejad, A.; Mohammadi, M. (2014). Practical Indicators of E-Learning Assessment in Higher Education of Iran. *Journal of Electronic Learning (Media)*, 5(1): 11-25. (In Persian)
- 4- Anil, A. (2000). *Web based learning and technologies, opportunities and challenges*. Idea grop publishing, University of Baltimore, USA.
- 5- Bagheri Majd, R.; Sayed Abbaszadeh, M.; MirAlizadeh, Y.; Shahi, S. (2013). Study and Design of Pedagogical Readiness Model in Virtual VET System. *Information and Communication Technology in Educational Sciences*, 4(3): 127-144. (In Persian)
- 6-Bradford, B.; Jessica, E. Federman (2013). E-learning works-exactly how well depends on its unique features and barriers. *CAHRS ResearchLink*, 1: 1-5.
- Chen, S. J. (2007). *Instructional Design Strategies for Intensive Online Courses: An Objectivist – constructivist Blended Approach*. *Journal of Interactive Online Learning*, 6(1): 86- 72.
- 7-Fareghzadeh, N.; Kashi, A. (2013). The study of virtual teaching methods and tools in order to improve the quality of education from the viewpoints of the faculty members of Azad University of Khodabandeh. *Quarterly Journal of New Approaches in Educational Administration*: 5(17): 121 -152. (In Persian)
- 8-Ghorchian, N.; Jafari, P. (2003). Investigating virtual universities in order to provide a suitable model for virtualization in the country. *Journal of Future studies Management*, 15(3): 25-49. (In Persian)
- 9-Holsti, RL (2011). *Content analysis in social and human sciences*. Translation Nader Salarzadeh Amiri, Tehran: Allameh Tabataba'i University. (In Persina)
- 10-Karimian, I.; Aghasi, S. (2013). Investigating the relationship between e-learning and human resource development Case study: Isfahan Iron. The first National Conference on Modern Management and Sustainable Planning in Iran. Tehran, Mehran Arred University, Tehran. Iran. (In Persian).
- 11-Kazempour, I.; Ghaffari, Kh. (2011). The feasibility of establishing a virtual in-service training system in Islamic Azad University, New Quarterly Journal of Educational Management, 2(5): 167-193. (In Persian)
- 12-Leithwood, K., Patten, S., & Jantzi, D. (2010). Testing a conception of how school leadership Influences student learning. *Educational Administration Quarterly*, 46(5): 671-706.
- 13-Nichols, A. J.; Levy, Y. (2009). Empirical assessment of college student-athletes' persistence in e-learning courses: A case study of a U.S. National Association of

- Intercollegiate Athletics (NAIA) institution. *Internet and Higher Education*, 12(1):14-25.
- 14- Islam, N.; Beer, M.; Slack, F. (2015). Managing Online Presence in the e-Learning Environment: Technological Support for Academic Staff, *Journal of Education and Training Studies*, 3(3), 91-100.
- 15-Saatchi, M.; Azizpour Shobebi, A.A (2005). Designing an Effective Academic Leadership Model, *Shahed University Journal of Dentistry*, Dawzadeh Year, 11: 1-18. (In Persian)
- 16-Safaei, Z.; Emadi, A.; Taheri, M. (2011). Studying the satisfaction of undergraduate students with e-learning programs in Semnan university of medical sciences. *Journal of Medical Education Development Center of Yazd*, 7(2): 13-20. (In Persian)
- 17-Sanayei, A.; Salimian, H. (2013). Analysis of Factors Affecting the Acceptance of Virtual Education with Emphasis on Internal Factors. *Journal of Technology of Education*, 4(7): 261 - 270. (In Persian)
- 18-Shaeidi, A; Sadeghzadeh, SH. (2012). Different Models of Electronic Learning Design. *Media*, 3(3): 33-38. (In Persian)
- 19-Selim, H. (2007). Critical Success Factors for e-Learning Acceptance: Confirmatory Factor Models. *Journal Computers & Education*, 49(2): 396-413.
- 20-Safari Shali, R.; Hezar Jarribi, J. (2017). A study of the causes of changes in the reference group among students. *Culture in The Islamic University*, 6(18): 17-44. (In Persian)
- 21-Sediq Sarvestani, R. ; Zaeri, Q. (2009), *Challenges of Cultural Planning in Iran*, Tehran: Islamic Azad University (Research Deputy) and Strategic Research Center. (In Persian)
- 22-Shea, P.; Pickett, A.; Sauli, C. (2005). Increasing access to higher education: A study of the online teaching among 913 college faculty. *International Review of Research in Open and Distance Learning*, 6(2). DOI: <https://doi.org/10.19173/irrodl.v6i2.238>
- 23-Steve, R.; scott, B.; Freeman, H. (2001). *The virtual university: The internet and resource- based learning* London, Sterling: Kogan Page Limited.
- 24-Strader, Troy J.; Lin, Fu-ren; Shaw, Michael J. (1998). Simulation of Order Fulfillment in Divergent Assembly Supply Chains. *Journal of Artificial Societies and Social Simulation*, 1(2): 1-5.
- 25- Sung, W.T.; Ou, S.c (2002). Learning Computer Graphics Using Virtual Reality Technologies Based on Constructivism–Case Study of the WebDeGrator System. *Interactive Learning Environments*, 10(3): 177-197.
- 26-Teo, T. (2010b). Development and validation of the e-learning acceptance measure. *Internet and Higher Education*, 13: 148-152.
- 26-Wang, Y.S. (2003). Assessment of learner satisfaction with asynchronous electronic learning systems. *Information and Management*, 41(1): 75-86.